



## جنگ جهانی جمعیت

## جنگ جهانی جمعیت

ص ۲

### چهارده، سی

ص ۴

### زیر سایه شما

ص ۵

### یک نان آور بیشتر

ص ۶

### راه بی بازگشت

ص ۶

#### جنگ جهانی جمعیت

...عدم توقف طرح پایه ریزی شده از اوایل دهه ی ۷۰ در کشور ما موجب شد نرخ باروری با کاهش هرساله مواجه شود تا حدی که در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۶ و سال ۹۸ به کمترین نرخ خود در دو دهه ی گذشته برسد...

ادامه در صفحه ۲

انگار آن روزها که برای نمودار آلمان نچ نچ می کردیم و به عریض بودن قاعده ی هرم جمعیت مان غره بودیم، حواسمان نبود که داریم با تمام سرعت به سمت "آلمان شدن" پیش می رویم. انگار قرار بود تا آخر دنیا غرور صدرنشینی مال ما باشد.

اما حالا که نظرمون تغییر کرده و فهمیده ایم باید به عقب برگردیم، آیا فکر می کنید می توان تفکری که سال ها بین مردم رواج داشته یک شب و به راحتی تغییر داد؟

کاش حداقل حالا که چیزی نمانده تعداد مادر بزرگ ها از تعداد نوه ها بیشتر شود، با همان سرعتی که پیش از این در حال حرکت بودیم از مسیر غلط بازگردیم. پیش از آن که زنگوله، کاملاً وارونه شود...

خانواده ی پر جمعیت خجالت آوری دارد سر جایش نشست. شاید هم توی دلش از پدر و مادرش گله کرد بابت این سرافکنندگی ای که مسببش بودند.

البته معلم مان خیلی هم تقصیر نداشت؛ آن روزها همه همین طور فکر می کردند. تبلیغات تلویزیون که خانواده ی پر جمعیت با لباس های مندرس و سفره ی خالی را کنار خانواده ی تک فرزند مرفه در یک قاب مقایسه می کرد، کوبن های قند و شکر و روغنی که به فرزند سوم به بعد تعلق نمی گرفتند، حتی جعبه ی کبریت و بسته ی نمک یددار؛ همه یک حرف می زدند: «فرزند کمتر، زندگی بهتر»!

نه این که فکر کنید این تفکر ناشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی بود ها، نه. همسایه ی بغلی مان هم که صاحب یک ساختمان چند طبقه و دو سه دهانه مغازه بود، اگر اه داشت از این که دست سه فرزندش را بگیرد و در خیابان راه برود؛ می گفت به بچه هایم هم گفته ام که هر جا بخواهم بروم فقط آخری را می برم. آن روزها تعدد فرزندان بی کلاسی محسوب می شد؛ مثل خیلی چیزهای دیگر. آن روزها "دوتا بس بود"!

آن زمانی که حرفش را می زنم، البته خیلی هم دور نیست؛ ده دوازده سال قبل از این روزهایی است که به این نتیجه رسیده ایم: «دوتا کمه».

#### سخن سر دبیر

ریحانه امدادی / بهداشت محیط ۹۵

دانش آموز که بودم زنگ اجتماعی را خیلی دوست داشتم؛ پر بود از گفت و گوهای جالب و به یادماندنی.

یادم می آید یک روز درس مان در مورد جمعیت بود. نمودارهای کتاب جمعیت ایران و کشورهای دیگر مثل آلمان را مقایسه کرده بودند و معلم مان می گفت این کشورها، برخلاف ما هرم سنی مستطیل شکل و جمعیت پیری دارند که حسابی برایشان دردسر ایجاد کرده است. پایین تر از هرم زنگوله ای ایده آل خوشگل ما، یک تصویر وجود داشت؛ یک طرف آن دسته های ۳ و ۴ تایی آدمک ها برای معرفی خانواده استاندارد و مقبول قرار داشتند و سمت دیگر دسته های ۴ تایی به بالا که نشان دهنده خانواده های پر جمعیت نامطلوب بودند.

به این جای درس که رسیدیم، یکی از بچه ها که یک خواهر و یک برادر داشت پرسید: «خانوم اجازه؟ یعنی خانواده ی ما هم پر جمعیت حساب می شود؟» معلم مان که شاید خودش در یک خانواده ی پر جمعیت تر به دنیا آمده بود جواب داد: «بله». و هم کلاسی ام ناراحت از این که برخلاف اکثریت کلاس،



## جنگ جهانی جمعیت

فاطمه قاسمیان / مامایی ۹۵



جمعیت همواره از ارکان جوامع انسانی و اساس شکل‌گیری تمدن‌ها بوده است و تمدن‌های بزرگ و پایدار متعلق به ملت‌های بزرگ و توانمند بوده‌اند.

جمعیت از عوامل مختلفی از جمله سیاست، اقتصاد، تاریخ و فرهنگ تأثیر می‌پذیرد و تعیین‌کننده‌ی سرنوشت جوامع است؛ به همین دلیل حکومت‌ها نسبت به تغییر جمعیت خود بی‌تفاوت نیستند. در کشور ما هم برنامه‌های جمعیتی از سال ۱۳۴۱ به طور جدی در دستور کار دولتمردان قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ با مشخص شدن مولد و رشد آن، سیاست‌های کنترل جمعیت در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم رسماً به عنوان یکی از برنامه‌های مهم رژیم شاهنشاهی محسوب شد و در نتیجه‌ی این اقدامات، رشد جمعیت که در دهه‌ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ حدود ۳/۲ درصد بود، به ۲/۶ درصد در دهه‌ی ۱۳۴۵-۱۳۵۵ رسید و تا سال‌های انتهایی حکومت پهلوی به ۱/۹ درصد تقلیل یافت.

با شروع تحولات ناشی از انقلاب اسلامی و در نتیجه‌ی عدم اعتمادی که نسبت به برنامه‌های رایج دوران پهلوی پدید آمده بود، خدمات برنامه‌های جمعیتی نیز دچار تغییر گردید و برنامه‌ی تنظیم خانواده متوقف شد.

در تابستان ۱۳۵۸ یعنی چندماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر بهداشتی دولت موقت طی ملاقاتی با امام خمینی (ره) مسئله‌ی رشد جمعیت را مطرح و بر ضرورت اجرای برنامه‌ی تنظیم خانواده تأکید نمود. امام خمینی (رحمة الله علیه) در پاسخ به گزارش وزیر بهداشتی مرقوم فرمودند: «استفاده از این روش‌ها چنانچه زنان را در معرض مشکلات سلامت (آسیب) قرار نمی‌دهد و همچنین همسر با آن موافق است، برای حل مشکلات مندرج در گزارش، شرعاً جایز است».

در نتیجه در کشور ما با سنجش جوانب امر توسط کارشناسان و صاحب‌نظران، سیاست تحدید نسل اجرا شد. تصمیمی که براساس شرایط کشور و در زمان درست گرفته شد، و حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده به نتیجه‌ی مورد نظر رسید اما متوقف نشد! و ادامه پیدا کردن غلط این تصمیم درست، باعث بروز مشکلات متعددی برای کشور شده است که به زودی ممکن است غیرقابل جبران شوند.

برای فهم درست جمله‌ی قبل باید سری به آمار و ارقام بزنیم. در علم جمعیت اصطلاح

نرخ جایگزینی (Replacement Rate) به عددی اطلاق می‌شود که با رسیدن به آن، رشد جمعیت به ایستایی رسیده و میزان تولد و مرگ و میر با هم برابر می‌شود. بر اساس اعلام نظر سازمان بهداشت جهانی (WHO) در حال حاضر برای جوامع نرخ ۲/۱ عدد جایگزینی محسوب می‌شود. به عبارت بهتر برای این که رشد جمعیت منفی نشود نیاز به این است که هر خانواده حداقل ۳ فرزند داشته باشند. عدم توقف طرح پایهریزی شده از اوایل دهه‌ی ۷۰ در کشور ما موجب شد نرخ باروری (۱) با کاهش هرساله مواجه شود تا حدی که در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۶ و سال ۹۸ به کمترین نرخ خود در دو دهه‌ی گذشته برسد.

### کاهش رشد جمعیت

و به تبع آن پیری جامعه تبعات جبران‌ناپذیری به همراه دارد که لازم است قبل از بحرانی‌تر شدن شرایط از وقوع این معضل پیشگیری کرد. طبق پیش‌بینی‌ها با ادامه‌ی روند موجود تا سال ۱۴۲۵ نرخ باروری در ایران به صفر خواهد رسید! این یعنی تنها چند سال بیشتر وقت نداریم تا از پیری همیشگی جمعیت جلوگیری کنیم.

افزایش میانه‌ی سنی و سالمندی جمعیت و در نتیجه‌ی آن کاهش نیروی کار فعال و پویا، کاهش تولید و فرصت‌های اقتصادی، نیاز به مراقبت از سالمندان و هزینه‌ی درمان و نگهداری آنان، مشکلات سیاسی و امنیتی از جمله کاهش توان دفاعی کشور و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی متعاقب آن تنها گوشه‌ای از تبعات نگران‌کننده‌ی موضوع مورد بحث ماست. در بحران اخیر جهانی کرونا هم به وضوح اثرات مخرب سالمند بودن جمعیت و عدم توان غلبه‌ی قشر جوان بر مشکلات مذکور در کشورهای غربی مشاهده شد. تا حدی که در بعضی از کشورها در اقدامی غیر انسانی، شاهد جداسازی دستگاه‌های ونتیلاتور از سالمندان و اختصاص دادن به افراد دیگر بودیم.

در حال حاضر چند کشور در دنیا دارای بیشترین رشد منفی هستند که در ادامه به موقعیت برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

(۱) بلغارستان: با نرخ باروری ۱- هرساله حدود ۱ درصد از جمعیت این کشور کاسته شده و جزء کشورهای فقیر دنیا به شمار می‌آید.

(۲) آلمان: یکی از کشورهای مهم و صنعتی اروپا که با مشکل کاهش زاد و ولد و نرخ ۰/۲۱- مواجه است و علی‌رغم ایجاد سیاست‌های تشویقی هنوز به سطح استاندارد نرسیده است.

(۳) فرانسه: آمارهای اخیر نشان می‌دهد بیش از ۱۷ درصد شهروندان فرانسه بالای ۶۵ سال هستند.



همان‌طور که گفتیم یکی از مهم‌ترین موجودی‌های بازارش هر کشور نسل جوان تحصیل‌کرده است که شجاعت، امید، نشاط و تحرک دارد و وجود چنین جامعه‌ای یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های ایجاد تمدن نوین به شمار می‌آید. کاهش رشد جمعیت و به تبع آن پیری جامعه تبعات جبران‌ناپذیری به همراه دارد که لازم است قبل از بحرانی‌تر شدن شرایط از وقوع این معضل پیشگیری کرد. طبق پیش‌بینی‌ها با ادامه‌ی روند موجود تا سال ۱۴۲۵ نرخ باروری در ایران به صفر خواهد رسید! این یعنی تنها چند سال بیشتر وقت نداریم تا از پیری همیشگی جمعیت جلوگیری کنیم.

اما باید توجه داشت که به دلیل گستردگی عوامل کاهش رشد جمعیت، در کنار ضرورت حمایت دولت‌ها از ازدیاد نسل و تصویب طرح‌های تشویقی، یکی از راه‌های برون رفت از این مشکل تغییر نگرش مردم است. تغییر فرهنگ افراد جامعه و افزایش آگاهی آن‌ها نیاز به برنامه‌ریزی مدون و همکاری منسجم نهادهای مربوطه در کشور دارد که علی‌الظاهر فعلاً پیگیری و تلاشی از سوی مسئولان مربوطه به چشم نمی‌آید.

(۱) تعداد تولد فرزند از یک مادر در جامعه.

**(۴) فرهنگ تک‌فرزندی و بی‌فرزندی:** در طول سال‌های طولانی، تبلیغ رسانه‌های جمعی برای کاهش جمعیت، به مرور این مسئله را تبدیل به یک فرهنگ بین افراد جامعه کرده است. تبلیغات بر ضد فرزندان متعدد هنوز هم دیوارنگاره‌ی شهرهاست. در کنار آن جایگزین کردن سگ و گربه به جای فرزند توسط چهره‌های معروف یا همان سلبریتی‌ها، اثر دوچندانی در گسترش این فرهنگ داشته است.

**(۵) تاثیرپذیری از فرهنگ غرب:** در فرهنگ غرب فرزند به عنوان موجودی مزاحم تعریف می‌شد. هرچند همان‌طور که اشاره شد غربی‌ها در حال تغییر این نگرش هستند، اما این تفکر در ایران در حال گسترش است.

**(۶) رواج دیدگاه‌های فمینیستی:** بخش اعظم تفکرات فمینیستی به مقوله‌ی ازدواج و فرزندآوری اشاره دارد که با نگرش منفی به این دو، مسئله‌ی جمعیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

**(۷) القای فرهنگ رفاه‌زدگی و ترس:** با توجه به مسائل اقتصادی جامعه، بخشی از عدم تمایل به تولد نوزاد در خانواده‌ها ناشی از محاسبه‌ی هزینه‌ی اضافه شدن یک فرد جدید به خانواده است که نتیجه‌ی این هراس، به تعویق افتادن اقدام برای تولد فرزند است.

به طور کلی باید گفت که در حال حاضر اکثر کشورهای اروپایی بعد از تجربه‌ی آن‌چه که ما در آینده‌ی پیش رو خواهیم داشت، با لغو سیاست تحدید نسل به دنبال مشوق‌هایی برای افزایش جمعیت هستند تا از پیرشدن بیشتر جامعه‌ی خود جلوگیری کنند.

در کنار تاثیر سیاست‌های یاد شده روی جمعیت، عوامل دیگری نیز در کاهش رشد جمعیت کشور موثر اند:

**(۱) افزایش سن ازدواج:** این عامل را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل پیری جمعیت معرفی کرد. هرچه‌قدر جوانان یک جامعه دیرتر ازدواج کنند، شانس تولد فرزندان بیشتر و به دنبال آن نرخ باروری کاهش می‌یابد.

**(۲) طلاق‌های فراوان:** طبق آمار رسمی کشور ما درصد زیادی از طلاق‌های ثبت شده در ۵ سال اول زندگی مشترک زوجین و بخش اعظم آن در یک سال اول رخ می‌دهد. یعنی بازه‌ی زمانی که اکثر زوج‌های ایرانی ترجیح می‌دهند صاحب فرزند نباشند.

**(۳) قوانین جهت‌گیرانه:** قوانین عدم بیمه برای فرزند چهارم خانواده و محرومیت نوزادان جدید از یارانه‌ی دولتی و ده‌ها محدودیت قانونی دیگری که مادران شاغل را از فرزندآوری منصرف می‌کند.





## چهارده سی

زینب نصیرزاده / پزشکی بهمن ۹۶

تا به حال توجه کرده‌اید برخی تصمیماتی که ما در یک زمان به‌خصوص می‌گیریم، نه تنها در آن زمان متوقف نمی‌شود و ما را تا پایان عمر همراهی می‌کند، بلکه دست از سر نسل‌های بعد نیز بر نمی‌دارد و همچنان با اسب زمان می‌تازد و جلو می‌رود؟ تا به حال شده به این فکر کنید که به گذشته برگردید و جلوی برخی تصمیمات را بگیرید؟ احتمالاً به هر کدام جداگانه فکر کرده‌اید ولی من این روزها به هر دو فکر می‌کنم.

"...تصویب قانون افزایش سن بازنشستگی تا ۷۰ سال و لغو بازنشستگی افراد زیر سن مذکور تنها راه باقیمانده برای جلوگیری از افزایش نسبت وابستگی جمعیت است. در کنفرانس خبری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که امروز برگزار شد، وزیر بار دیگر به مسئله‌ی لغو بازنشستگی اشاره کرد و گفت: "... صفحه‌ی تلفن را با اشاره‌ی چشم تغییر می‌دهم تا شاید بتوانم این خبر را از جلوی چشمانم به گوشه و کناری از ذهن انتقال دهم. نه، البته شدنی نیست! پدر و مادرم که حالا در نیمه‌ی دهه‌ی ۶۰ زندگی‌شان هستند و با تصویب این قانون پس از چند سال بازنشستگی باید دوباره کار کنند، درست جلوی چشمانم نشسته‌اند.

طوفان این قانون قرار است به‌زودی آرامش ما را هم مختل کند. در این سن و سال و با این بیماری و ناتوانی، چه‌طور قرار است از پس ساعت‌ها کار در فضایی که با دوران جوانی‌شان تفاوت بسیاری دارد برپایند؟ در سال‌های ابتدایی قرن ۱۵ و زمانی که جوان بودند، نه خبری از روبات‌ها بود و نه تا این حد زندگی ماشینی و تکنولوژی. مشکل بزرگ‌تر وجود اتباع خارجی است که روز به روز بیشتر می‌شوند. دولت هم چاره‌ای نمی‌بیند مگر آن که با انگیزه دادن تابعیت ایران، نیروی کار جوان جذب کند.

جداً از مشکلاتی که افزایش بیش از حد اتباع خارجی در کشور ایجاد می‌کند، والدینم چه‌طور قرار است با این حجم وسیع همکاران خارجی‌شان کنار بیایند؟! درددل‌های من اما فایده‌ای ندارد. این روزها از کارشناسان گرفته تا مردم عادی، همه به این نتیجه رسیده‌اند که کار از پیشگیری کاهش جمعیت گذشته است و ایران سال ۱۴۳۰ باید هرچه زودتر و به هر طریقی که شده با این سالخوردگی جمعیت کنار بیاید. اگر کنار نیاید، کاهش نیروی‌های مولد و افزایش هزینه‌های دولتی کمر اقتصاد را خواهد شکست.

کشوری که تا چند دهه قبل، نیروی جوانی داشته که هم بار اقتصادی خود و هم نسل سالخورده قبل و کودکان را به دوش می‌کشید، حالا نمی‌تواند همان جوانان دیروز و سالخوردگان امروز را پشتیبانی کند و می‌خواهد باز هم از آن‌ها کار بکشد.

شاید فکر کنید چه سیاست بی‌رحمانه‌ای! ولی چاره چیست؟! فرض کنید در یک ساختمان به تعداد طبقات بیفزاییم و ستون‌ها را که بار اصلی را به دوش می‌کشند کمتر کنیم. اگر ستون‌ها تاب نیاورند و ساختمان بریزد، طبیعی‌ست. قصه‌ی نسل جوان امروز ما هم، قصه‌ی همین ستون‌هاست. البته بهتر است من به جای این درگیری‌های ذهنی بی‌نتیجه استراحت کنم و به فکر کشیک فردا باشم. با این‌که سخت بود ولی بالاخره با افزایش ۴ ساعتی کشیک‌ها کنار آمدیم. کمبود نیروی کار هیچ‌جا بیشتر از کادر درمان احساس نمی‌شود. بالاخره جمعیت پیر، خدمات درمانی بیشتری هم می‌طلبد. تعجب نکنید؛ ما هم اول انتظار داشتیم افزایش نیروهای کادر درمان این مشکل را حل کنند و انصافاً تا آن‌جایی هم که امکانش بود جذب نیروی درمان صورت گرفت. ولی قصه‌ی همان ستون‌های کم و طبقات زیاد است. هرچه قدر که زیاد شویم، نسبت به بیماران آن‌قدر کم هستیم که تنها راه‌حل، همان افزایش ساعات کاری است.

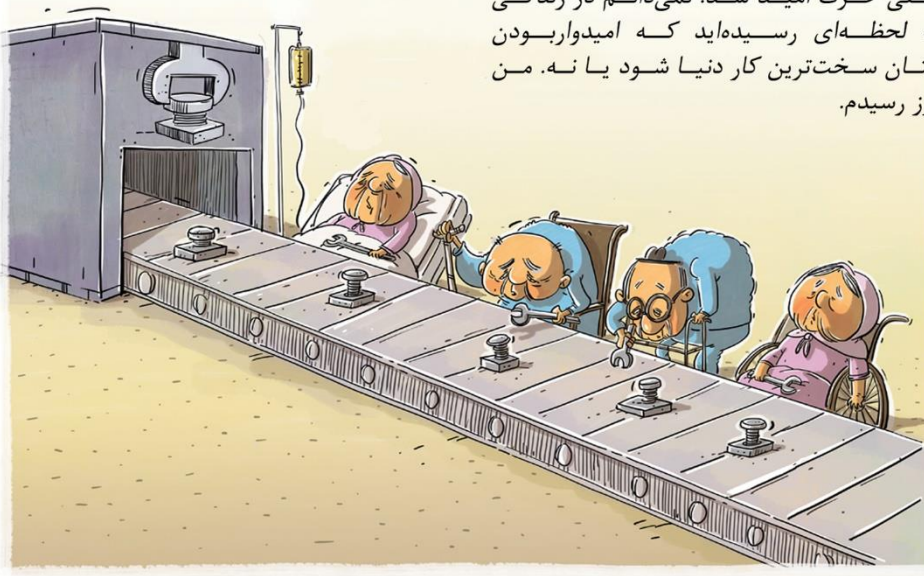
این‌ها را نگفتم که غر زده باشم، نه! می‌خواهم همین کورسوی امیدم را پیش از آن‌که از من بگیرند، در بطری درسته‌ای بریزم و داخل دریای زمان رها کنم. شاید در سمت دیگری از این دریا و در حوالی چند دهه قبل از این زمان که من دم و بازدم تازه می‌کنم، بطری به دست کسی برسد. از همان کسانی که دستشان می‌رسد و کاری می‌کنند.

راستی حرف امید شد. نمی‌دانم در زندگی به لحظه‌ای رسیده‌اید که امیدواربودن برایتان سخت‌ترین کار دنیا شود یا نه. من امروز رسیدم.

همین امروز که از کنار مدرسه ابتدایی سر خیابان‌مان عبور می‌کردم و شاهد تعویض سردر آن بودم. مدت‌ها بود که همه از تغییر کاربری ساختمان به خانه‌ی سالمندان خبر داشتند. اما امروز فهمیدم امید داشتن درحالی که تعداد خانه‌های سالمندان شهرمان دارد از تعداد مدارسش پیشی می‌گیرد، خیلی سخت‌تر از آن است که نسل‌های قبل تصور می‌کردند. تصویری که امروز دیدم باعث شد باور کنم شهر من نیز در خطر متروک شدن قرار دارد. وقتی سال‌های گذشته رسانه‌ها از افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ و متروک شدن شهرهای کوچک حرف می‌زدند و هشدار می‌دادند، من این زنگ خطر را نزدیک نمی‌دانستم. فکر نمی‌کردم شهر زیبای من نیز ممکن است یک روز تهی از نیروی کار شود و عملاً جزء شهرهای متروک به حساب بیاید. اما امروز حس کردم این خطر تا خیابان ما نیز پیشری کرده است.

برای همین، این روزها بیشتر به گذشته فکر می‌کنم. گذشته‌ای که بسیاری از انتخاب‌های آن زندگی نسل آینده را به وضعی اسفناک کشانده است. وضعیتی شبیه حالی که امروز داریم و قفل‌های بدون کلیدی که با آن کلنجر می‌رویم.

دفترچه‌ی دیجیتالم از دور چشمک می‌زند. باید قبل از خواب خاطرات امروزم را هم ثبت کنم. کاش می‌شد این خاطرات به جای آن که برای آیندگان درسی به جا بگذارد، یک جایی در پس کوچه‌های زمان مسیرش را گم کند، به گذشته برود و در حد همین چند خط از گریه‌ی سالخورده‌ی وطن بگوید که حالا در سال ۱۴۳۰ هجری شمسی نایی برای نفس کشیدن ندارد.





## زیر سایه شما

مرضیه ذاتی / هوشبری ۹۵

## چه خبر از کجا؟

فاطمه رحیمی / پزشکی بهمن ۹۷

حالا که دیگر شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در هیچ جای دنیا کاربردی ندارد، رهبران کشورها با تبلیغات بسیار و وضع قوانین مختلف سعی در تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری دارند تا بتوانند چرخه‌ی اقتصادشان را همچنان روی پا نگه دارند. این سیاست‌ها بسته به فرهنگ و وضع اجتماعی کشورها با هم متفاوت است. جالب‌ترین سیاست‌های تشویقی دولت‌ها برای فرزندآوری را بخوانید:

## روسیه: خانه‌ای برای فرزند سوم

جمعیت کشور روسیه ۱۴۳ میلیون نفر و رشد جمعیت آن منفی است. بعد از روی کار آمدن پوتین در کشور روسیه سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت بیش از پیش قوت گرفت. خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند از پرداخت ماهانه تا سقف معینی معاف می‌شوند و مورد حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندشان قرار می‌گیرند. دولت این کشور برای تولد فرزند اول ۱۵ هزار دلار و برای تولد فرزند سوم، یک خانه به پدر و مادر نوزاد هدیه می‌دهد. همچنین مادری که دارای فرزند می‌شود می‌تواند ۹ هزار و ۶۰۰ دلار کمک هزینه دریافت کند.

## ژاپن: خوشبختی با کودوموتیت

ژاپن یکی از پیرترین کشورهای جهان است که نرخ رشد جمعیت آن ۰/۰۳- درصد است. به گفته کارشناسان اگر این روال ادامه داشته باشد، در سال ۳۰۱۱ دیگر در ژاپن کودک زیر ۱۵ سال وجود ندارد. برای همین برای بهبود وضع هرم جمعیتی در این کشور، قانونی به نام «کودوموتیت» وضع شد که طبق این قانون، خانواده‌هایی که فرزند تا سن ۱۵ سال دارند، ماهانه تا ۱۳ هزار ین کمک مالی دریافت می‌کنند. همچنین پدر و مادر یک‌به‌یک می‌توانند با دریافت نصف حقوق خود تا سقف تعیین‌شده به مرخصی بروند و بدون هیچ تغییری به کار قبلی خود بازگردند.

## فرانسه: سالی هزار یورو به همراه سبد کالا

در فرانسه نرخ باروری به‌ازای هر زن ۲/۰۸ است. با این حال دولت فرانسه ۱۶ هفته مرخصی با حقوق و مزایای کامل را برای مادران فرانسوی در نظر گرفته است. پس از این دوره والدین می‌توانند به مرخصی سه‌ساله و بدون حقوق بروند و بعد از آن بدون هیچ محدودیتی به شغل قبلی‌شان بازگردند. در فرانسه خانواده‌ها در صورت داشتن فرزند سوم مبلغ هزار یورو دریافت می‌کنند. همچنین دولت تضمین می‌کند که از خانواده برای تامین مخارج فرزندان از سنین کودکی برای پیش‌دبستانی تا مدرسه و دانشگاه حمایت مالی کنند. اگر خانواده‌ها برای تولد فرزندشان خدمتکار استخدام کنند، دولت بخشی از این هزینه را می‌پردازد. از دیگر سیاست‌های افزایش جمعیت در کشور فرانسه می‌توان به اختصاص سبد کالا و کاهش مالیات اشاره کرد.

## ایرلند: تا ۱۴۲۲ یورو حقوق ماهانه

ایرلند کشوری با جمعیت ۴ میلیون نفر است که با نرخ رشد جمعیت ۲/۲۵ درصدی و نرخ مولد ۲/۰۲ فرزند به‌ازای هر زن در شمال غرب اروپا قرار دارد. از سیاست‌های جمعیتی این کشور می‌توان به اختصاص حقوق ماهانه به والدین براساس تعداد فرزندان اشاره کرد که برای تک‌فرزند ۱۵۰ یورو، دو فرزند ۳۰۰ یورو، سه فرزند ۴۸۷ یورو، چهار فرزند ۶۷۱ یورو، پنج فرزند ۸۶۱ یورو، شش فرزند ۱۰۴۸ یورو، هفت فرزند ۱۲۳۵ یورو و هشت فرزند ۱۴۲۲ یورو است. البته این مقدار به فرزندان زیر ۱۶ سال یا ۱۹ سال که به صورت تمام وقت تحصیل می‌کنند، تعلق می‌گیرد.

من یادم نمیاد اولین بار کی و کجا کف پام سفتی زمین رو لمس کرد ولی مامان یادشه. با تمام جزئیات. حتی تعداد دفعاتی رو که افتادم زمین و دستامو گرفتم. یا یادم نمیاد کی اولین بار وسط خیابون گم شدم ولی بابا یادشه. گاهی میشینه و برام از تک تک لحظه‌هاش، استرس‌هاش و شادی بعد پیدا کردنم میگه. یا اولین کتاب داستانی رو که خریدم کی بود، ولی مامان یادشه.

حتی اون شب‌هایی رو که می‌نشست کنارم برام قصه می‌گفت تا خوابم ببره رو هم یادشه. اولین بار گفتم مامان یا بابا نمی‌دونم. اولین بار تو آغوش کدومشون اشک ریختم یا بلند بلند خندیدم نمی‌دونم. نمی‌دونم اولین بار نماز رو کنار بابا خوندم یا مامان. ولی تا این‌جا می‌دونم که اگه نبودن تا دست‌هامو محکم بگیرن من هم نبودم.

چه روزها و شب‌ها که زندگی رو برای خودشون تنگ گرفتن تا در زندگی من گشایشی ایجاد بشه. با تمام وجود برای حرکت تو راه درست کمکم کردن تا به بی راه نرم.

دارم فکر می‌کنم به این‌که چه قدر به خاطر وجودشون از خدا شکر کردم؟ چه قدر گفتم "اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ الْكَرَامَةُ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةُ مِنْكَ..." (۱)

چه قدر پیششون مواظب بودم که آهنگ صدام از صداشون بالاتر نره؟ چه قدر تشکر کردم ازشون به خاطر توجه هاشون بهم؟ چه قدر احترام گذاشتم بهشون؟ چه قدر به حقی که بهم دارن توجه کردم؟ چه قدر...

"وَاعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا..." (۲) که خدایا دلم را به هردو مهربان ساز که هردو منشأ مهربانی بر این زمین اند، که شاید جانشین‌های شما در مهربانی بر بنده‌اند.

و "يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعَيْنَ" کمک کن به ادای حقی ازشون که بر گردنم هست که "انت أرحم الراحمين" مطلقاً!!!

۱ و ۲. دعای بیست و چهارم صحیفه سجاده، نیایش آن حضرت در حق پدر و مادرش





## یک نان آور بیشتر

زهرا قبادی / بهداشت عمومی ۹۷



راه‌های اساسی بهبود شرایط فعلی و از بین بردن بحران جمعیت باشد.

همچنین در بخشی از این کتاب به تفکر زوجین قبل از فرزنددار شدن اشاره شده است. در این باره می‌خوانیم:

«آیا بهتر نیست، زن و شوهر نخست خودشان را تربیت کرده و به بلوغ و تکامل اخلاقی و اجتماعی برسند، آن‌گاه به فکر فرزندآوری باشند؟

دل‌مشغولی و مسئولیت‌پذیری نهفته در متن پرسش، یک پرسش درست و ناشی از روح

مسئولیت‌پذیری است و در آغاز، ستودنی است، اما در ادامه، دریافت بهینه‌ی این گفتار نیازمند ژرف‌نگری بیشتری است...»

آیا بازگشت به سبک زندگی چند دهه‌ی پیش و احیای خانواده‌های پرجمعیت، و در پی آن، بروز سختی‌های بی‌شمار خانوادگی و اجتماعی در شرایط کنونی، کار خردمندانه‌ای است؟

آیا یک میلیون انسان مرفه، کیفی و حداکثری، بهتر از یک صدمیلیون انسان حداقلی و متوسط نیست؟

والدین چندفرزندی چگونه می‌توانند به پیشرفت تحصیلی و بهبود جایگاه اجتماعی‌شان بیندیشند؟

این‌ها تنها سه سوال نخست از سی‌وسه سوالی است که "یک نان آور بیشتر" به آن پاسخ می‌دهد.

کتاب یک نان آور بیشتر، هفتمین اثر پژوهشی صالح قاسمی درباره تهدیدات و سیاست‌های جمعیتی است. نویسنده در این کتاب سعی کرده از جنبه‌های گوناگون به مسئله‌ی فرزندآوری و مشکلات پیش روی آن نگاه کرده، و پاسخ مناسبی برای سوالات و شبهه‌های مرتبط با آن‌ها پیدا کند.

قاسمی معتقد است در کنار فراهم کردن شرایط برای تسهیل فرزندآوری، آموزش و افزایش آگاهی مردم، می‌تواند یکی از

## راه بی‌بازگشت

فاطمه کیایی / داروسازی ۹۴



توماس فرگوسن، مامور دفتر جمعیتی آمریکا: "باید جمعیت دنیا را کاهش دهیم تا به اهدافمان برسیم." مایکل کافمن (سیاستمدار آمریکایی): "دو سوم جمعیت دنیا باید ظرف مدت ۳۰ تا ۵۰ سال کم شود."

این جمله‌ها و هزاران جمله‌ی دیگر که از سیاستمداران کشورهای بزرگ شنیده می‌شود حکایت از اهمیت موضوع جمعیت و تاثیرگذاری آن در تمام مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی یک کشور دارد.

امروزه در کشورهای غربی، که در حال دست و پنجه نرم کردن با عواقب پیری جمعیت هستند، برنامه‌های گسترده‌ای برای افزایش جمعیت و تشویق خانواده‌ها برای فرزندآوری طراحی و اجرا می‌شود، درحالی‌که همین کشورهای غربی، نسخه‌ی کاهش جمعیت و کنترل موالید را برای کشورهای اسلامی و جهان سوم می‌پیچند!

مستند "راه بی‌بازگشت" ناگفته‌هایی از بحران فرا روی ایران بر اثر کاهش جمعیت و سالمند شدن جامعه است و با بررسی وضعیت کشورهای درگیر با این مسئله و مشابه‌سازی آن با جمعیت ایران، آینده‌ی کشور را پیش‌بینی می‌کند.

در این میان به سابقه‌ی تحدید جمعیت در اوایل دهه‌ی ۷۰ نیز می‌پردازد و نظرات پزشکان متخصص، کارشناسان جمعیتی، اساتید حوزه‌ی سلامت، گزاره‌ها، آمار و ارقام بانک جهانی و پژوهشگران بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد و اذعان می‌کند که سرعت کاهش جمعیت حتی نسبت به سرعت پیش‌بینی شده در برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران بسیار بیشتر بود است.

اگر می‌خواهید بدانید چرا ژاپن که یکی از بزرگترین کشورهای صنعتی جهان محسوب می‌شد امروزه به کشوری با بدهی‌های کلان اقتصادی تبدیل شده است؛ یا اگر فکر می‌کنید جمله‌ی "در سه دهه‌ی آتی ایران جزو سه کشور پیر دنیا خواهد بود" دروغ است؛ یا هنوز فکر می‌کنید ایران از لحاظ ترکیب جمعیتی وضعیت مناسبی دارد، حتماً "راه بی‌بازگشت" را تماشا کنید تا با واقعیت‌های تلخ و نگران‌کننده‌ای مواجه شوید. آینده‌ی ترسناکی که امروز باید برای آن برنامه‌ریزی کرد.